

6090

۴۰۰

۱

۲۶۴

بوسکن سا

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

قدیری، حسین، ۱۳۵۶ -

درس‌نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا / حسین قدیری. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و

نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۲۶۴ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۷۸۱) (کلام و عقاید: ۲۹۳. فقه سیاسی: ۳۵)

ISBN 978-964-09-2054-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه: ص. [۲۵۹] - ۲۶۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ولایت فقیه، ۲. ولی فقیه، ۳. حاکمیت (فقه). الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه

قم. مؤسسه بوستان کتاب، چاپ، عنوان.

۲۹۷/۴۵

BP ۱۳۳۸۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۷۴۸۵۴۸

۱۳۹۸

موضوع: فقه سیاسی: ۳۵ (کلام و عقاید: ۲۹۳)

گروه مخاطب: تخصصی (پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۷۸۱

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۳۰۶

درس نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

حسین قدیری

بیت
۱۳۸۸



درس همه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

ترجمه و تدوین: حسین قدیری

● ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

● نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۸ ● شمارگان: ۴۰۰ ● بها: ۳۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر حقوقی به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائی)، ص پ ۳۷۱۸۵/۹۱۷، تلفن: ۰۷۷۴۲۱۰-۷، فاکس: ۰۷۷۴۲۱۰-۸۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب به هم ری ۱۷۰۰ نفر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۱۱، تلفن: ۰۶۶۹۴۰۸۰

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی، خراسان، وی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، مرکز، تلفن: ۰۳۲۱۰۰۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان آرم، تلفن: ۰۳۴۳۱۷۹

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵۰۲۱۰۰ و ارسال درج شده است به:

E-mail: info@bustaneketab.com

پست الکترونیک مؤسسه:

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

● اعضای شورای بررسی آثار ● دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه دار ● ویراستار: محمد زارعی

● اصلاحات حروف نگاری: زهرا امیدی و احمد مؤتمنی ● صفحه آرایی: سکینه ملازاده و احمد مؤتمنی

● نمونه خوانی: جواد عروجی ● کنترل فنی صفحه آرایی: سپیدرضا موسوی منش

● مدیر گروه هنری: مسعود نجابی ● طراح جلد: علیرضا قره‌گللو

● اداره آماده سازی: حمیدرضا تیموری ● اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی ● مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

رئیس مؤسسه

محمداقبر انصاری

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
بخش اول: سابقه تاریخی مباحث فقهی ولایت فقیه	۲۵
الف) سوابق تاریخی	۲۵
۱. در زمان حیات پیامبر اسلام	۲۵
۲. در زمان امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام)	۲۶
۳. عصر غیبت صغرا	۲۷
ب) تاریخچه طرح مباحث ولایت فقیه میان فقهاء	۲۷
اختیارات محقق کرکی در دربار صفویه و تصریح شاه صفوی بر...	۲۸
بخش دوم: بررسی حکم عقل بر حکومت فقیه در عصر غیبت کبرا	۳۵
مقدمه	۳۵
عصر غیبت کبرا و بیان عقل «۱»	۳۶
مرحله اول: حکمت الهی	۳۶
مرحله دوم: ضرورت ارسال راهنما برای هدایت مردم به سبب ختم...	۳۸

مرحله سوم: لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت کبرا به سبب رابطه... ۴۱	
عصر غیبت کبرا و بیان عقل «۲» ۴۴	
نظام تکوین و تشریع ۴۴	
عصر غیبت کبرا و بیان عقل «۳» ۴۸	
تلازم بین اعتقاد به ولایت تشریعی خداوند و ولایت فقیه ۴۸	
بخش سوم: دلایل نقلی ۵۵	
فصل اول: آیات ۵۵	
استدلال ۵۵	
تذکر ۵۸	
استدلال ۵۹	
نکته ۶۰	
استدلال ۶۱	
فصل دوم: روایات ۶۵	
روایت اول ۶۵	
روایت دوم ۷۳	
روایت سوم ۷۸	
روایت چهارم ۸۳	
روایت پنجم ۹۲	
روایت ششم ۱۰۱	
روایت هفتم ۱۰۸	
روایت هشتم ۱۱۷	

فهرست مطالب

۱۲۴	روایت نهم
۱۳۴	روایت دهم
۱۳۸	نتیجه نهایی از روایات مذکور
۱۳۹	سؤال‌ها
۱۳۹	فصل سوم: ولایت فقیه در متون فقهی
۱۳۹	ولایت فقیه در کلام ملا احمد نراقی
۱۴۵	بررسی دیدگاه آیه الله خوئی در مورد ولایت فقیه
۱۵۵	بخش چهارم: ولایت فقیه و شمهات
۱۵۵	گفتار اول: نظریه انتصاب یا انتخاب
۱۵۵	تعریف و تبیین
۱۵۷	نکته
۱۵۸	کدام نظریه از دو دیدگاه مذکور صحیح است؟
۱۵۹	نکته مهم
۱۶۲	نقد نظریه انتخاب
۱۶۶	گفتار دوم: بررسی دلایل نظریه انتخاب
۱۶۷	الف) شواهد تاریخی
۱۶۸	توضیح و پاسخ
۱۶۹	پاسخ کلی
۱۷۰	نتیجه
۱۷۰	پاسخ جزئی
۱۷۳	ب) شواهد قرآنی و روایی

درس‌نامه حاکمیت فقیه در عصر غیبت کبرا

۱۷۹	ج) سیره عقلا
۱۸۰	توضیح و پاسخ
۱۸۲	سؤال‌ها
۱۸۳	گفتار سوم: رهبری شورایی
۱۸۴	اشکالات رهبری شورایی
۱۸۸	نتیجه
۱۸۸	سؤال‌ها
۱۸۸	گفتار چهارم: مفهوم «جمهوریت» در نظام اسلامی
۱۹۲	نکته اول
۱۹۲	نکته دوم
۱۹۳	نکته سوم
۱۹۴	نتیجه
۱۹۵	سؤال‌ها
۱۹۶	سؤال‌های تحقیقی
۱۹۶	گفتار پنجم: امور حسیه
۱۹۶	تعریف و تبیین
۱۹۸	مصادیق امور حسیه
۱۹۹	ابهامات در بیانات محقق خوئی
۲۰۱	گفتار ششم: ولایت فقیه در خارج از مرزهای کشور
۲۰۳	یادآوری
۲۰۵	سؤال‌ها
۲۰۵	گفتار هفتم: مجلس خبرگان رهبری

۲۱۱	یادآوری اول
۲۱۳	یادآوری دوم
۲۱۴	یادآوری سوم
۲۱۵	سؤال‌ها
۲۱۶	گفتار هشتم: ولایت فقیه یا نظارت تشریفاتی
۲۱۶	الف) ولایت یا نظارت
۲۱۸	سؤال‌ها
۲۱۸	ب) ولایت مطلقه فقیه
۲۲۱	سؤال‌ها
۲۲۲	گفتار نهم: شبهات متفرقه
۲۲۸	سؤال‌ها
۲۲۸	گفتار دهم: فقیه حاکم، حجت شرعی در عصر غیبت است
۲۳۵	نتیجه
۲۴۱	نقد بر ولی فقیه
۲۴۲	نکته اول
۲۴۲	نکته دوم
۲۴۳	نکته سوم
۲۴۷	سؤال‌ها
۲۴۸	گفتار یازدهم: ضرورت شناخت اصول و روش معمار انقلاب اسلامی
۲۵۰	سخن پایانی
۲۵۳	استدلال مخالفان ولایت فقیه
۲۵۵	شرایط ولی فقیه

- ۲۵۶ استدلال و منطق به جای درگیری
- ۲۵۸ سؤال‌ها
- ۲۵۸ سؤال تحقیقی:
- ۲۵۹ کتاب‌نامه

مقدمه

۱. موضوع ولایت فقیه، بعد از ثبوت ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام)، از مباحث اعتقادی بسیار است که اطلاع از مبانی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه حاکمیت و قدرت سیاسی مهم‌ترین عامل اثرگذار در تشکیل جامعه اسلامی است. موضوع اصلی در این باب، منشأ مشروعیت این قدرت است. اگر فرد مسلمان، اصل توحید را بپذیرد، لازمه‌اش این است که ربوبیت تکوینی (تدبیر هستی با نظمی خاص به‌طوری که غرض و هدف مطلوب از آفرینش حاصل آید) و تشریعی الهی را نیز باید گردن بدهد، زیرا خداوند، خالق هستی است و بنابراین ربّ تکوینی عالم و اشرف مخلوقات (انسان) است و مدیریت تکوینی انسان به دست خالق اوست. با درک صحیح از ربوبیت تکوینی و تشریعی خداوند در مورد نظام هستی (که در همین نوشتار به تشریح آن خواهیم پرداخت) اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند بر این جهان شکل می‌گیرد.

۲. ضرورت تشکیل حکومت برای اداره هر جامعه و جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در آن، عقلانی است و عقلای عالم آن را تأیید می‌کنند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) زمانی که خوارج نهروان می‌گفتند «لا حکم الا لله» (فرمانی جز فرمان خدا نیست) ضمن تذکر در خصوص مغالطه آنان در

به‌کارگیری این کلام، لزوم تشکیل حکومت در جوامع بشری را (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) متذکر شده و فرموده‌اند:

این‌که فرمانی جز فرمان خدا نیست، سخن حقی است که از آن، اراده باطل شد. آری، درست است، فرمانی جز فرمان خدا نیست، ولی این‌ها می‌گویند زمام‌داری جز برای خدا نیست، درحالی‌که برای مردم، چاره‌ای غیر از وجود یک امیر برای آنان وجود ندارد.

حضرت در ادامه به بیان علل نیازمندی بشر به حکومت می‌پردازند: تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند گردند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌شود و به کمک آن می‌توان با دشمنان مبارزه نمود؛ جاده‌ها امن و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود؛ نیکوکاران در رفاه و از دست بیکاران در امان می‌مانند.^۱

آنچه در فرمایش‌های مولایمان باید از آن غافل شویم این است که فوایدی که در سایه تشکیل حکومت به آن‌ها اشاره فرموده‌اند اولاً: نیاز ضروری زندگی اجتماعی است؛ ثانیاً: این مسئله فقط مربوط به جامعه اسلامی نیست، بلکه جامعه بشری مد نظر است البته در سایه حکومتی که به اصول انسانی، پای‌بند باشد، مؤمنان نیز از نظر زندگی فردی آسوده خواهند بود.

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰: «وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْخَوَارِجِ لَمَّا سَمِعَ قَوْلَهُمْ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ... وَإِنَّ الْأَمْرَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ».

سید رضی در ادامه همین خطبه، روایتی از آن امام علیه السلام نقل کرده که ایشان در مورد ضرورت حاکمیت صالحان فرموده‌اند:

«زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام شعار حکمیت خوارج (لا حکم الا لله) را شنیدند فرمودند: منتظر فرمان الهی درباره شما هستم و فرمود: در حکومت انسان صالح، شخص متقی [در آرامش] به اعمال نیک خویش مشغول می‌شود، ولی در زمام‌داری ستم‌کار، انسان پست و شقی بهره‌مندی دارد».^۱

۲. از طرف دیگر بر اساس قواعد فقهی، هیچ انسانی ولی انسان دیگر نیست و حاکمیت بر غیر ندارد و به اصطلاح، همگی آزاد خلق شده‌اند، مگر این که دلیلی خاص و جداگانه برای این مسئله یافت شود.^۲ لذا باید ببینیم اولاً: چه دلیل یا دلایلی برای مشروعیت حکومت انسان - اعم از انبیاء، ائمه اطهار و فقیه جامع‌الشرایط - بر دیگر هم‌نوعان او وجود دارد؟ ثانیاً: آیا پذیرش این مسئولیت بر حاکم مشروع واجب است؟ ثالثاً: چه دلایلی بر «وجوب اطاعت از حاکم مشروع» توسط مردم (در عصر نبوت کبرا) وجود دارد؟

با توجه به این که ولایت از منظر عقل و دین تنها از آن خداوندی است که خالق و منشأ هستی می‌باشد و کسی غیر از خداوند یکتا، حق حاکمیت بر موجودات را ندارد و کسانی که اجازه ولایت و سرپرستی مردم را دارند، باید مأذون از طرف خداوند باشند، براین اساس اگر بر پایه دلایل قابل اعتماد، حق

۱. همان: «وَفِي رَوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ عليه السلام لَمَّا سَمِعَ تَحْكِيمَهُمْ قَالَ حُكْمُ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِيكُمْ وَقَالَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الَّتِي فَعَمَلٌ فِيهَا النَّفْسُ وَأَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فَيَتَمَنَعُ فِيهَا الشَّقِيُّ إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَتُذْرِكُهُ مَبْنًى».

۲. مأخذشناسی قواعد فقهی، ص ۲۷۷: «الأصل عدم ولاية أحد على أحد إلا ما خرج بدليل ومنها ولاية الحاكم الفقيه» کسی بر کسی ولایت و سرپرستی ندارد، مگر در جایی که دلیلی خاص، موردی را از این قاعده عام خارج کند که یکی از آن‌ها ولایت فقیه [جامع‌الشرایط] است که حاکمیت دارد.

حکومت بر بندگان الهی برای کسی ثابت شد، مطالبی به شرح ذیل به دست می‌آید که پاسخ پرسش‌های فوق نیز تا حدودی معلوم می‌گردد:

اولاً: حاکمیت انبیای الهی و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت، وظیفه و تکلیفی است که خداوند بر عهدهٔ خواص درگاه خویش نهاده است.

ثانیاً: منصوبان از جانب پروردگار، تشکیل حکومت برای هدایت مردم و رساندن آنان به سعادت دنیوی و اخروی واجب است و به همین دلیل پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حکومت تشکیل دادند و پس از خویش هم به دستور خداوند، امام علی (علیه‌السلام) ابی‌طالب صلوات الله علیه را به جای خود منصوب فرمودند.

ثالثاً: مردم نیز حق رجوع به غیر آنان را ندارند و چنانچه حاکمیت غیر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و فقهای جامع‌الشرایط در عصر غیبت کبرا را بپذیرند، برخلاف مسیر هدایت الهی حرکت کرده‌اند و بنابراین مستوجب عقوبت الهی می‌شوند؛ علاوه بر این که مردم همیشه در کارها از قدرت و حکومت پیروی می‌کنند و مشهور است که «الناس علی دین ملوکهم»،^۱ آنان در آداب و اخلاق و نیز دین و ایمان‌شان همواره از صاحبان قدرت، تبعیت می‌کنند. لذا می‌توان گفت که سعادت دنیا و آخرت مردم به حکومت و حاکمیت وابسته است.

۱. با جست‌وجویی که از طریق نرم‌افزارهای موجود به عمل آمد، این جمله در منابع روایی و اربابان مبارک ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مشاهده نگردید و در تعبیر محققان از آن به «المنزل الشهور» یاد شده است. البته این مثل، حقیقتاً و بدون تردید واقعیت دارد و مردم مانند حاکمان خویش می‌اندیشند، زیرا صاحبان قدرت، پایهٔ فرهنگ و اعتقادات یک جامعه را مانند خویش بنا می‌کنند.

۴. موضوع بحث ما در این نوشتار «حاکمیت» است. بنابراین واژه «ولایت» در احادیث نبوی ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به معنای واگذاری حکومت و داشتن قدرت برای اداره امور مردم بر پایه احکام الهی است که قرائن متعدّد لفظی و معنوی در حدیث غدیر و دیگر فرمایش‌های معصومین علیهم السلام بر این مطلب دلالت دارد. لذا بحث فراتر از آن است که برخی تصور کرده‌اند، چراکه وقتی عبارت «ولایت فقیه» به گوش برخی می‌رسد، می‌گویند فقها را به تشکیل حکومت ندارند و ایشان از نظر شرعی ولایت ندارند، مثلاً شیعیان خمس اموال‌شان را به آن‌ها می‌دهند و در مسائل شرعی نیز از آنان تقلید می‌کنند. باید توجه داشت که این دسته افراد، خارج از موضوع، مناقشه می‌کنند و محل کلام در مبحث ولایت فقیه، راجع به قدرت و اختیار فقیه جامع‌الشرایط برای اداره حکومت در جامعه بر اساس احکام اسلامی است. بنابراین، این نوشتار در پی اثبات حقانیت فقیه برای تشکیل حکومت از طرفی و وظیفه شرعی او در مورد این امر از جانب دیگر است. بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ﷺ در بیان معنای مذکور از واژه «ولایت» می‌فرماید:

ما معتقد به ولایت هستیم و معتقدیم پیغمبر اکرم ﷺ باید خلیفه تعیین کند و تعیین هم کرده است. آیا تعیین خلیفه برای بیان احکام است؟ بیان احکام که خلیفه نمی‌خواهد. خود آن حضرت، بیان احکام می‌کرد همه احکام را در کتابی می‌نوشتند و دست مردم می‌دادند تا عمل کنند. این که عقل لازم است خلیفه تعیین کند، برای حکومت است. ما خلیفه می‌خواهیم تا احکام را قوانین کند... اسلام همان‌طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. ولی امر، متصدی قوه مجریه است. اگر پیغمبر اکرم، خلیفه تعیین

نکند، «فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»... ضرورت اجرای احکام و ضرورت قوه مجریه و اهمیت آن در تحقق رسالت و ایجاد نظام عادلانه‌ای که مایه خوش‌بختی بشر است، سبب شده که تعیین جانشین، مرادف اتمام رسالت باشد.^۱

لذا آنچه به عنوان ولایت برای همه فقیهان در برخی امور مانند افتاء و تقلید مقلدان در احکام تکلیفیه ثابت است، نباید با موضوع اداره کشور و امور مسلمانان بر اساس احکام نورانی اسلام، خلط شود.

۵. ارتباط حکومت و هدایت به سمت عبودیت الهی و در نتیجه، سعادت دنیوی و اخروی، بسیار تنگاتنگ است و دو مقوله حاکمیت و هدایت از یکدیگر جدا نیستند. به همین علت در روایات ما عامل اصلی خوب یا بدبودن مردم، وابسته به فرهنگ حاکمان دانسته شده است، چنان‌که پیامبر اسلام (ص) فرمایند:

دو طایفه هستند از امت من که اگر ایشان خوب باشند، امت من خوب خواهند بود و اگر ایشان بد باشند، امت من از ایشان پیروی نموده و در نتیجه، بد خواهند شد و آن دو طایفه عبارتند از امرا و علما.^۲

هم‌چنین است عبارت «التاس علی دین رسولهم» که جمله‌ای صحیح و مجرب می‌باشد و بیانگر صحت این مدعاست.

با توجه به ارتباط تنگاتنگ و جدایی‌ناپذیر حاکمیت و هدایت است که خداوند، اطاعت از انبیای خویش را وظیفه همگان شمرده است و می‌فرماید:

۱. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۰ و ۲۱.

۲. محمدتقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۱۰۹.

۳. با جست‌وجو در منابع روایی، و دینی روشن می‌گردد که عبارت مذکور، روایت نیست، بلکه مضمون روایات دیگر می‌باشد که بر اساس تجربه نیز ثابت شده است.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱

و ما هیچ رسولی را نفرستادیم، مگر برای آن‌که به اذن خدا اطاعت شود. با دقت در این آیه شریفه می‌توان گفت که چون هدایت بشر، وابسته به اطاعت از ولی خداست، اطاعت از ایشان در این آیه و امثال آن واجب گردیده است. امروزه نیز تجربه این جمله مشهور در سایه نظام مقدس جمهوری اسلامی به وضوح قابل مشاهده است؛ به طور مثال، فرهنگ جهاد و عشق به شهادت یا استادگی در برابر ظلم و حمایت از مظلوم و یا روحیه خودباوری و رزق بار دلت نرفتن و استقلال طلبی و عدم وابستگی به بیگانگان از مواردی است که قبل از تشکیل نظام اسلامی وجود نداشته و اگر وجود داشته در سطح بسیار پایین و در فشار خاسی از مردم بوده است. در سایه چنین روحيات و تفكراتی است که جوانان به دنبال علم و تکنولوژی رفتند و حتی ایران را در برخی موارد، جزء چند کشور مطرح دنیا قرار دادند. این مسئله انکارناپذیر است، علاوه بر آن‌که از برکات حکمیت اسلامی است.

۶. قرآن کریم، فلسفه ارسال رسولان الهی و اطاعت شدن ایشان توسط مردم می‌داند.^۲ به طور کلی، با توجه به این آیه و مانند آن، خداوند دو وظیفه را متوجه دو گروه کرده است: یکی مردم را دیگری انبیای الهی. تکلیف مردم، اطاعت کردن و تکلیف انبیا، تشکیل سازمان اطاعت شدن، یعنی ایجاد و برپایی حکومت است که بدون ایجاد تشکیلات اجرایی و حکومتی، اطاعت شدن در بسیاری موارد، تحقق‌ناپذیر است. برای درک بهتر مطلب، کافی است رسول الهی را بدون داشتن قدرت اجرایی در

۱. نساء، آیه ۶۴.

۲. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (نساء، آیه ۶۴).

جامعه فرض کرد. این در حالی است که رسول، احکامی را از سوی پروردگار عالم آورده است که جنبه اجتماعی دارند و باید برای ایجاد نظم در زندگی گروهی و اجتماعی مردم در میان آن‌ها پیاده شود؛ مانند اجرای حدود و تعزیرات که یکی از آن‌هاست. حال اگر قدرت حکومت بین مردم در اختیار غیر از فرستاده خداوند باشد، آیا پیاده کردن و اجرای دستورهای دینی امکان‌پذیر است؟ آیا می‌توان صرفاً با بیان احکام و نصیحت زبانی، مردم را به سمت عبودیت الهی پیش برد؟ دقت شود که مجموعه احکام دین، همگی برای یک هدف از سوی پروردگار نازل شده و آن عبارت است از هدایت انسان.

بر اساس مطالب مذکور، سایر آیات قرآن کریم در خصوص اطاعت از انبیا و اولی الامر علیهم‌السلام در همین مسیر نگریسته می‌شوند؛ یعنی اطاعت آنان بر مردم واجب است و ایشان نیز باید حکومت تشکیل دهند و الا همان‌طور که گفته شد، اطاعت کردن از ایشان در عمل، امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، اولین اقدامی که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از هجرت به مدینه انجام دادند، برپایی حکومت دینی بود و تمام انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز برای تشکیل حکومت، تلاش کردند، اما بسیاری از ایشان به علت عدم همراهی مردم نتوانستند به این هدف مهم و حیاتی - که با سعادت دنیا و آخرت خلاق گره خورده است - نائل آیند. امام خمینی در خصوص وظیفه انبیا و اولیا برای تشکیل حکومت می‌فرمایند:

«به حکم عقل و ضرورت ادیان، هدف بعثت و کار انبیا علیهم‌السلام تنها مسئله‌گویی و بیان احکام نیست. این‌طور نیست که مثلاً مسائل و احکام از

طریق وحی به رسول اکرم ﷺ رسیده باشد و آن حضرت و حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام مسئله گوهایی باشند که خداوند آنان را تعیین فرموده تا مسائل و احکام را بدون خیانت برای مردم نقل کنند و آنان نیز این امانت را به فقها و اگذار کرده باشند تا مسائلی را که از انبیا گرفته اند، بدون خیانت به مردم برسانند و معنای «الفقهاء أمانة الرسل» این باشد که فقها در مسئله گفتن، امین باشند. درحقیقت، مهم ترین وظیفه انبیا علیهم السلام برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق اجرای قوانین و احکام است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد، چنان که این معنا از آیه شریفه به وضوح پیداست:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱

به درستی که پیامبران خود را با نشانه های روشن فرستادیم و با آن ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم، عدالت را به پا دارند.

هدف بعثت ها، به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه، نظم و ترتیب پیدا کرده، قداست را است گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان پذیر است. خواه نبی، خود موفق به تشکیل حکومت شود، مانند رسول اکرم ﷺ و خواه بر وانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند. خداوند متعال که در باب خمس می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ نَّصَافَةٌ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ»^۲ یا درباره زکات می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِكُمْ

۱. حدید، آیه ۲۵.

۲. انفال، آیه ۴۱.

صَدَقَهُ^۱ یا دربارهٔ خراجات دستوراتی صادر می‌فرماید، درحقیقت رسول اکرم ﷺ را نه برای فقط بیان این احکام برای مردم، بلکه برای اجرای آن‌ها موظف می‌کند. همان‌طور که باید این‌ها را میان مردم نشر دهد، مأمور است که اجرا کند، مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرد و صرف مصالح مسلمین کند، عدالت را بین ملتها و افراد مردم گسترش دهد، احرای حدود و حفظ مرز و استقلال کشور کند و نگذارد کسی مالیات دولت اسلامی را حیف و میل نماید.

این که خداوند رسول اکرم ﷺ را رئیس قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» مراد این نبوده که اگر پیغمبر اکرم ﷺ مسئله گفت، قبول کنیم و عمل نماییم. عمل کردن به احکام، اطاعت خداست. همهٔ کارهای عبادی و غیرعبادی که مربوط به احکام است، اطاعت خدا می‌باشد. متابعت از رسول اکرم ﷺ عمل کردن به احکام نیست، مطلب دیگری است. البته اطاعت رسول اکرم ﷺ به یک معنا اطاعت خداست، چون خدا دستور داده از پیغمبرش اطاعت کنیم. اگر رسول اکرم ﷺ که رئیس و رهبر جامعهٔ اسلامی است، امر کند و بگوید همه باید با سپاه اسامه به جنگ بروند، کسی حق تحف ندارد. این، امر خدا نیست، بلکه امر رسول است. خداوند، حکومت و فرماندهی را به آن حضرت واگذار کرده است و حضرت هم بنا بر مصالح، به مبارک و بسیج سپاه می‌پردازد، والی و حاکم و قاضی تعیین می‌کند یا برکنار می‌سازد. رهبر بزرگوار انقلاب، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - حفظه الله - نیز

۱. توبه، آیه ۱۰۳.

۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷۰.

در خصوص تشکیل حکومت توسط ائمه اطهار علیهم السلام بیانات شیوا و زیبایی ارائه نموده‌اند. معظم‌له در این باره می‌فرمایند:

مبارزهٔ سیاسی... عبارت است از مبارزه‌ای با یک هدف سیاسی. آن هدف سیاسی چیست؟ عبارت است از تشکیل حکومت اسلامی و به تعبیر ما حکومت علوی. ائمه علیهم السلام از لحظهٔ وفات رسول‌الله تا سال ۲۶۰ ق در صدد بودند که حکومت الهی را در جامعهٔ اسلامی به وجود آورند؛ این اصل مآل است.^۱

آنچه فهم آن بسیار اهمیت دارد و در فصل سوم همین نوشتار نیز به آن پرداخته شده این است که تحقق و ایجاد حکومت به همراهی و همکاری مردم وابسته است و چنانچه مردم حاکمیت شخصی را نپذیرند، حکومتی حتی اگر برپا شود دوامی نخواهد داشت، لکن اختیار مردم در همراهی با حاکم و یا عدم همراهی، غیر از وظیفهٔ شرعی است. وظیفه یا تکلیف، یعنی آنچه خداوند به آن دستور داده، البته اختیار با خود انسان است و او در انجام دادن امور اختیار دارد. معنای داشتن اختیار آن نیست که شخص حق دارد هر کاری را انجام بدهد یا ندهد. به تعبیر قرآن مجید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۲

به‌درستی که ما راه را به انسان نشان دادیم، او [اختیار دارد] می‌تواند شکرگزار باشد [و در مسیر هدایت و بندگی حرکت کند] و یا آن‌که کفر بورزد [و در مسیر شیطان و هواهای نفسانی، زندگی را بگذراند].

تحقیق دربارهٔ مسئله ولایت فقیه و فهم آن، برای آحاد مردم اهمیت

۱. سیدعلی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۷.

۲. انسان، آیه ۳.

زیادی دارد. درجه اهمیت‌اش به همان میزان است که مردم در عصر حضور ائمه اطهار (علیهم‌السلام) با آن مواجه بودند، اما به نظر می‌رسد تأثیرات شناخت این موضوع در اقشار مختلف، یک‌سان نیست و پژوهش و درک این موضوع و عمل به لوازم آن (اطاعت محض از رهبری اسلام و سلوک بر اساس روش و منش او در تمام حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) در کسانی که به نوعی وظایف حکومتی بر عهده دارند، بیشتر و عمیق‌تر خواهد بود. بین تره‌های مردمی که قدرت حکومتی در اختیار ندارند و بین افرادی که در دستگاه‌های مختلف نظام اسلامی اشتغال دارند، تفاوت زیادی وجود دارد، چرا که اگرگذاری این در گروه به یک میزان نیست. اعتقاد و فهم مسئله ولایت فقیه و به دنبال آن، اطاعت‌پذیری دسته دوم از ولایت که مستقیماً با مسائل اجرایی و حکومتی سروکار دارند، برکات و تأثیرات بسیار بیشتری برای کشور و پیش‌برد اهداف والا و مقدس حاکمیت به همراه دارد و این مسئله روشن است و نیازی به توضیح ندارد.

از جمله این اقشار که در دسته دوم مد نظر هستند، دستگاه‌های امنیتی و انتظامی می‌باشند، زیرا این ارگان‌ها به عنوان بازو حاکمیت تلقی می‌گردند و هر چه این دو بازو قوی‌تر باشد، بالطبع بارهای سنگین‌تری را بر خواهند داشت. آنچه در این مقدمه مورد تأکید نگذاشته می‌باشد اسباب و عللی است که روحیه اطاعت‌پذیری از ولایت را در تمام ارگان‌های حکومتی (اعم از قوای سه‌گانه و نیروهای نظامی و انتظامی) به وجود می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. یکی از این عوامل بدون شک، اطلاع از مبانی و فهم مسئله ولایت فقیه در اسلام است، زیرا اطلاع از ریشه‌ها و پایه‌های فکری موضوع ولایت، موجب به‌وجود آمدن اعتقادی عمیق

خواهد گردید و اعتقاد نیز باعث ثبات قدم در مسیر اسلام و خدمت به نظام اسلامی خواهد شد. از همین روست که قرآن کریم بین عالم و جاهل تفاوت قائل شده است و می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۱.

آری، علم چراغ راه است و به هر اندازه که تحصیل شود، نورافشانی بیشتری خواهد داشت. لذا برای مجموعه‌های مرتبط با حاکمیت، اهمیت ویژه‌ای دارد که بدانند برای چه حکومتی کار می‌کنند. بنابراین کسانی که می‌توانند در این عرصه به مجموعه‌های مرتبط با حاکمیت خدمت کنند، باید دست به قلم شوند و با بیانی ساده و شیوا مبانی اعتقادی را برای خدمت‌گزاران اسلام ارائه نمایند. این وظیفه در درجه نخست، بر عهده عالمان دینی است؛ یعنی کسانی که در حوزه‌های علمیه از محضر اساتید، کسب فیض نموده‌اند و با منابع دینی و بالاخص قرآن و روایات آشنایی دارند. بدون تردید، همه ما در پیش‌برد اهداف الهی مسئولیم و مسئولیت نیروهای فرهنگی کشور و به‌ویژه حوزویان از همه بیشتر است. امید است که به توفیق الهی، موفق به انجام‌دادن وظایف‌مان گردیم.

در مورد نوشتاری که پیش روی دانش‌پژوهان محترم است مطالبی را متذکر می‌گردیم:

۱. این نوشتار که به توفیق الهی، سال‌های متمادی برای دانشگاه‌های عزیز تدریس شده، در چهار فصل آماده گردیده است: فصل اول به بیان

۱. زمر، آیه ۹.

تاریخچه بحث ولایت فقیه بین فقها پرداخته، در فصل دوم، اثبات موضوع بر اساس دلایل عقلی مد نظر قرار گرفته، در فصل سوم، دلایل نقلی از قرآن کریم و روایات ارائه گردیده و فصل چهارم که آخرین قسمت کتاب است، به طرح شبهات جاری در مورد ولایت فقیه اختصاص یافته و سعی شده است تا مطالب با بیانی شیوا و ساده ارائه گردد.

۲. شبهاتی که در بخش پایانی طرح شده، به صورت معمول بین جوانان و به خصوص دانشجویان عزیزمان مطرح بوده و هست. سعی و تلاش در این پژوهش بر آن است که پاسخ‌ها اقصای باشد و صرفاً با استدلال مدیریتی بتوانیم شبهات را پاسخ‌گو باشیم.

۳. در پایان هر مطلب، سؤال‌هایی جهت تسهیل فراگیری عزیزان مطرح گردیده است.

لازم است در این قسمت از تلاش‌های مجموعه عزیزان دست‌اندرکار در انتشارات بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی تشکر نمایم که حقیقتاً با دقت و حوصله زیاد در چاپ این اثر، زحمات کشیدند. جزاهم الله خیر الجزاء.

از خداوند متعال مسئلت دارم که این تلاش ناچیز را به کرم خویش بپذیرد و ثواب آن را به روح بلند حضرت امام خمینی (علیه السلام) و شهدای انقلاب و مدافع حرم و علمای اعلام، بالأخص والد معظم این جانب، عاید و واصل بفرماید. إنه أرحم الراحمین و یسّمی بالغفور الرحیم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

حسین قدیری